



واکاوی جایگاه مشارکت در زمان تدوین طرح در محلات شهری، با تاکید بر رویه مشارکت نوع مقاله: مقاله پژوهشی (نظری و تحلیلی)

ساسان مختاری: دانشجوی دوره دکتری گروه تخصصی شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سعید کاردار: استادیار گروه تخصصی شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kardar@srbiau.ac.ir

حسین ذبیحی: دانشیار گروه تخصصی شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۶

دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۴

چکیده

بیان مسئله: با توجه به اهمیت مشارکت در اداره شهرها مطالعات زیادی در این خصوص انجام یافته، وجه تشابه عمده متون داخلی در نگاه مشترک مبتنی بر نظریات محتوایی بوده و تاکید بر محصول به دست آمده از مشارکت است. در این میان جایگاه مطالعاتی مبتنی بر نظریات فرآیندی که توجه به روش مشارکت انجام یافته و نه محصول خروجی آن دارند کمتر به چشم می خورد لذا پژوهش حاضر به بررسی چالش های پیش روی مشارکت و تدوین فرآیندی جهت مشارکت در مرحله تدوین سند چشم انداز خواهد پرداخت. روش: این تحقیق به روش تحلیلی- توصیفی انجام شده و برای جمع آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۲ کارشناس با تجربه بیش از ۱۰ سال در حوزه بافت های فرسوده استفاده شده است. کارشناسان از طریق روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و مصاحبه ها با رعایت اصول اخلاقی و حفظ حریم خصوصی مصاحبه شوندگان انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها در چهار مرحله شامل استخراج کلمات کلیدی، تحلیل احساسات، طبقه بندی موضوعی و مدل سازی صورت گرفت. داده های حاصل از مصاحبه ها به بررسی چالش ها و مشکلات در مشارکت در مرحله چشم انداز سازی در بافت های فرسوده در تهران پرداخته است.

یافته ها و نتایج: یافته های و نتایج این تحقیق نشان می دهد که تدوین سند چشم انداز که جای خالی آن در مداخلات مشاهده می شود به عنوان امری الزامی در مداخلات در بافت های فرسوده بوده و باید بر مبنای مشارکت فعال ذینفعان و تحلیل جامع مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی باشد تا به جامعیت و پایداری در تصمیم گیری منجر گردد. همچنین، تاکید بر استفاده از ابزارهای مؤثر همچون تصویب سند چشم انداز به عنوان ابزاری قانونی برای افزایش مشارکت عمومی و مستندسازی فرآیندها به منظور بهبود کیفیت زندگی و حل مشکلات بافت های فرسوده از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کلید واژه ها: مشارکت، چشم انداز، بافت فرسوده، تصمیم سازی، گونه شناسی مسائل، ساخت سناریو

تازه های تحقیق:

- سنجش جامع وضعیت در دل مشارکتی بودن است و انعکاس نظرات ذینفعان در زمان تدوین طرح منجر به جامع نگری خواهد شد.
- مشارکت یک فرآیند است و یک نقطه جهت انجام فعالیتی خاص نیست لذا پایداری در آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است این پایداری به مفهوم استمرار وضعیت در مشارکت ذینفعان در تمامی سطوح می باشد.



مقدمه

در نظام برنامه ریزی ایران نیز از سال ۱۳۷۶ با پیشنهاد تهیه طرح های ساختاری - راهبردی به جای طرح های جامع شهری و طرح های پایه، موضعی و موضوعی به عنوان جایگزینی برای طرح های تفصیلی شهری (ماجدی و دیگران- ۱۳۷۸) برای نخستین بار موضوع مشارکت^۱ به صورت رسمی در طرح های شهری مورد توجه قرار گرفت. این موضوع با لحاظ نمودن همکاری کلیه ذینفعان در مرحله تعیین اهداف و چشم انداز اولیه در زمان تهیه طرح های ساختاری- راهبردی در مبانی نظری تهیه طرح قابل ملاحظه است. بدین ترتیب مشارکت کلیه ذینفعان در مرحله تصمیم سازی^۲ (به مفهوم در نظر گرفتن سناریو^۳ های مختلف و انتخاب گزینه بهینه در مقابل تصمیم گیری که متمرکز بر یک سناریو و موافقت، مخالفت و یا نگرش فازی به موضوع می باشد) در نظر گرفته شده است. همچنین طرح های تفصیلی موضعی به عنوان طرح های اجرایی در نظر گرفته شده اند که با مشارکت مردم برای حل یک معضل شهری تهیه شده اند ضمناً مفهوم مورد نظر از طرح های تفصیلی پایه (برخلاف طرح های تفصیلی موضعی و موضوعی) به صورت پروژه خاص نبوده و به مرور توسط مردم و از طریق نظارت و کنترل نهادهای محلی (ماجدی- ۱۳۹۰) انجام می یابد بدین شرح مشارکت مردم در اجرای طرح ها در نظر گرفته شده است و در پایان با توجه به فرایند حلزونی طرح های ساختاری - راهبردی امکان بررسی بازخورد ها که نتیجه تاثیرات طرح و انعکاس نظرات واقعی جامعه محلی و ذینفعان وجود دارد که خود نقطه قوتی به عنوان بررسی میزان مشارکت و استقبال از طرح در عمل جهت اعمال تغییرات می باشد. از مهمترین نمونه تهیه شده از طرح ساختاری - راهبردی می توان به طرح ساختاری - راهبردی شهر تهران مصوب ۱۳۸۹ اشاره کرد اما موضوع مشارکت را چندان که در مبانی نظری تهیه طرح آمده نمی توان ملاحظه کرد و شاید تنها مورد مشخص مشارکت در تهران پس از تصویب طرح، مشارکت در نوسازی بافت های فرسوده باشد. مشخصاً پاسخ دقیق و بررسی کامل موضوع که به چه علت مشارکت صرفاً در یک پروژه موضوعی بوده و تا چه حدی مسئله بر اساس کاستی های ناشی از تدوین و یا اجرای طرح می باشد خارج از توان این مطالعه و مطالعات مشابه می باشد از این رو هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل دقیق و عمیق چالش ها و موانع اصلی در مسیر مشارکت مردم در مرحله چشم اندازسازی در محلات شهری و هدف فرعی آن ارائه فرآیندی کاربردی جهت ارتقای کیفی مشارکت مردم در مرحله چشم اندازسازی در محلات شهری می باشد. لذا در این تحقیق به این سوالات پاسخ خواهیم داد که چالش ها و موانع اصلی در مسیر مشارکت مردم در مرحله چشم اندازسازی طرح های ساختاری- راهبردی در محلات شهری کدامند؟ چگونه می توان با توجه به نظریات مشارکت، فرآیندی جهت ارتقای کیفی مشارکت مردم در مرحله چشم اندازسازی تدوین کرد؟ در ادامه به موارد به موضوع بحث خواهیم پرداخت.



بیان مسئله

امروزه مشارکت در بسیاری از جوامع به ویژه جوامع پیشرفته مورد توجه قرار گرفته است و در نظر گرفتن مشارکت شهروندان به عنوان یک شرط قطعی برای قدرت شهروندان (ارنشتاین^۱ - ۱۹۶۹) در بسیاری از شهرهای جهان پذیرفته شده است. با وجود توجه به موضوع مشارکت در امریکا و انگلستان در حوزه شهرسازی از دهه ۱۹۶۰ و توسعه آن در جوامع مختلف هنوز در بسیاری از متون کلاسیک و روشهای اجرا و ارزیابی بازخوردهای آن تفاوت های ماهوی بسیاری وجود دارد. از مهمترین نمونه های مشارکت انجام یافته در کشور می توان به مداخلات در نوسازی محلات دارای بافت های فرسوده اشاره کرد و مطالعات فراوانی در این خصوص انجام یافته است. این مطالعات بیشتر با تاکید بر "محصول" و حل مشکل محلات دارای بافت های فرسوده بوده است و در پایان پیشنهادهای در این خصوص ارائه شده است. اما با وجود تاکید بر مشارکت و اقدامات انجام یافته که بعضا با مدیریت و هدایت اساتید اهل فن بوده محصول به دست آمده در بسیاری از موارد با کاستی ها و نقدهای فراوانی مواجه بوده است. در این مطالعه با در نظر داشتن تقابل نظریات محتوایی^۱ و یا محصول گرا که بیشتر به محصول و محتوای شهر به ویژه کالبد شهر و تصمیماتی که کالبد شهر را مورد توجه قرار می دهد (حیبب- ۱۳۹۱) در مقابل نظریات مبتنی بر روش و روند^۲ که بیان می دارند مهم نیست چه کاری انجام می شود مهم این است که چگونه این کار انجام می شود (لینچ- ۱۳۷۶)، بر روند مشارکت انجام یافته (در مقابل محصول به دست آمده) متمرکز خواهیم بود. در واقع این پژوهش پس از گذر به لحاظ فکری و فلسفی از دو دسته از نظریات فوق به دنبال محصول و راهکاری جهت حل مشکلات در محله ای خاص نبوده، در مقابل تاکید بر تدوین روش و مدلی جهت فرآیند مشارکت در مرحله چشم انداز سازی دارد. پر واضح است هدف از مداخلات در محلات دارای بافت های فرسوده رسیدن به یک نقطه نبوده بلکه فرایندی مستمر بوده که نتیجه آن پایداری در وضعیت بهبود یافته باشد که رد پای چنین مطالعاتی که مبتنی بر فرایندها باشند در پژوهش های انجام یافته در داخل کشور چندان قابل ملاحظه نیست لذا خلاء مطالعاتی در این خصوص بیشتر رویت می شود. ضمناً آنچه در متون داخلی در خصوص مداخلات در محلات با بافت های فرسوده قابل ملاحظه است جایگاه خالی و یا بسیار کم رنگ چشم انداز سازی جهت موضوع می باشد. به نظر می رسد جهت هرگونه مداخله ای بدون در نظر داشتن بیانیه چشم انداز حاصل از مشارکت ذینفعان تدوین و اجرای طرح جهت حرکت به سوی نقطه ای نامعلوم چندان منطقی به نظر نمی رسد. در یک جمع بندی در پژوهش حاضر محلات دارای بافت های فرسوده صرفاً به عنوان نمونه ای از موضوعات مشارکت جهت انجام مطالعه در نظر گرفته شده است زیرا از مهمترین نمونه های انجام یافته مشارکت در کشور است که تبیین جایگاه مشارکت و تدوین روند مناسب تر نه تنها می تواند در موضوع مداخله در محلات دارای بافت فرسوده بلکه در سایر جنبه های مشارکت شهروندان در مقیاس محله شهری مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین به دلیل وسعت موضوع و انجام بررسی با دقت بیشتر در مطالعه حاضر نسبت به بررسی موضوع مشارکت صرفاً در زمان تدوین سند چشم انداز پرداخته خواهد شد. این بررسی با تبیین جایگاه مشارکت انجام یافته در دسته بندی نظریات مشارکت در سه دسته کلی نظریات مشارکت شامل ۱- ابزاری ۲- هنجاری ۳-



بنیادی (گلوکر و همکاران -۲۰۱۳) و با در نظر داشتن مشارکت بنیادی به تدوین مدلی از فرآیند مشارکت جهت تدوین سند چشم انداز ساز انجام اقدام خواهد کرد. به نظر می رسد تکرار و ادامه روند چنین مطالعاتی بتواند نسبت به ایجاد فرآیندی اجرایی جهت مشارکت شهروندان در مقیاس محله شهری مسیر مناسب تری ایجاد نماید. بدیهی است بررسی سایر مراحل (مانند مشارکت در زمان اجرای طرح و بازخوردهای آن) نیازمند تحقیقات موازی و مجزا بوده که به ارتقای جنبه های کمی و کیفی موضوع کمک خواهد کرد.

1- Substantive
2-procedure

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه نوع نگرش به مشارکت در نگاه صاحب نظران در مداخلات شهری به صورت خلاصه در جدول زیر شامل ایده های کلیدی صاحب نظران در گذر زمان ارایه گردیده است.

سال	صاحب نظر	ایده کلیدی
۱۹۱۰	پاتریک گدس	نمایشگاهی در هندوستان برای ارائه تصویری از گذشته، حال و آینده شهر، با تمرکز بر آموزش و مشارکت مردم
۱۹۹۰- ۱۸۹۵	لوئیس مامفورد	کنترل عوامل مخرب شهری از طریق مشارکت مردم، با شروع از پایین ترین واحدها
۱۹۸۴- ۱۹۱۸	کوین لینچ	هدف از مداخله: ایجاد حس تداوم، خوانایی، سرزندگی و هویت در شهر، با مشارکت مردم، متخصصان و مقامات
۲۰۰۵- ۱۹۱۳	کنزو تانگه	ضرورت مشارکت طیف گسترده‌ای از افراد، از جمله بازرگانان، هنرمندان، مریبان، روزنامه‌نگاران، اتحادیه‌ها و مردم عادی، در برنامه‌ریزی شهری
۱۹۹۸	دیویدسون	گردونه مشارکت: ۱- اطلاع‌رسانی ۲- مشاوره ۳- مشارکت ۴- توانمندسازی
۲۰۰۲	دریکسل	انواع مشارکت و عدم مشارکت بر اساس قدرت تصمیم‌گیری و تعامل
۲۰۰۴	میانجیگری (به سفارش دفتر نخست وزیر بریتانیا)	برنامه‌ریزی مشارکتی
۲۰۰۶	فانگ	مکانیزم مشارکت: ۱- انتخاب روش‌ها ۲- حالت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری ۳- گسترش اختیار و قدرت



دسته‌بندی نظریات مشارکت: ۱- ابزاری ۲- هنجاری ۳- بنیادی	گلوکر و همکاران	۲۰۱۳
ارزیابی شاخص مشارکت با استفاده از دسته‌بندی گلوکر	برومبال و همکاران	۲۰۱۶
مدل اصلاح شده فانگ برای بازسازی شهر اوناگواوا پس از سونامی	اکونی	۲۰۱۸

در ادامه نمونه هایی از اقدامات اجرایی با مشارکت شهروندان اشاره شده است:

شهر	سال	اقدامات	نتایج
بث، انگلستان	اواسط قرن بیستم	مشارکت مردم در مرمت یا تغییر شکل بنا و عملکرد آن	احیای بافت تاریخی و هویت محلی
مونپارناس، پاریس، فرانسه	اواسط قرن بیستم	بازسازی محله با مشارکت مردم	ارتقای کیفیت زندگی و هویت محلی
کروزبرگ، برلین، آلمان	۱۹۸۳	مشارکت ساکنان، تجار و کسبه در اهداف و اقدامات نوسازی، برنامه‌ریزی اجتماعی و توسعه فنی	ارتقای کیفیت زندگی، حفظ هویت محلی و افزایش اعتماد مردم
پکن، چین	۲۰۱۶	ارزیابی اثرات زیست محیطی احداث فرودگاه پکن با مشارکت مردم	پیشرفت در مشارکت ابزاری، اما محدودیت در تاثیرگذاری مردم بر تصمیمات

مروری بر مطالعات داخلی

مقاله	موضوع اصلی	یافته‌های کلیدی
اکبری و همکاران- ۱۳۹۸	شناسایی موانع قانونی مداخلات	نواقص قوانین، عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها، عدم اطلاع‌رسانی مناسب به ساکنان
شیخی و الهیاری- ۱۳۹۷	نقش مشارکت مردمی	سطح پایین مشارکت، عدم اعتماد به مسئولان، نبود تشکل‌های اجتماعی، کمبود اطلاعات
شفیعی دستجردی- ۱۳۹۲	ضرورت تغییر نگرش در طرح‌های جامع و تفصیلی	عدم توجه کافی به نیازهای بافت‌های فرسوده در طرح‌ها



نظریه‌های مشارکت

۱- نظریه ارنشتاین مشارکت (ارنشتاین^۱-۱۹۶۹)

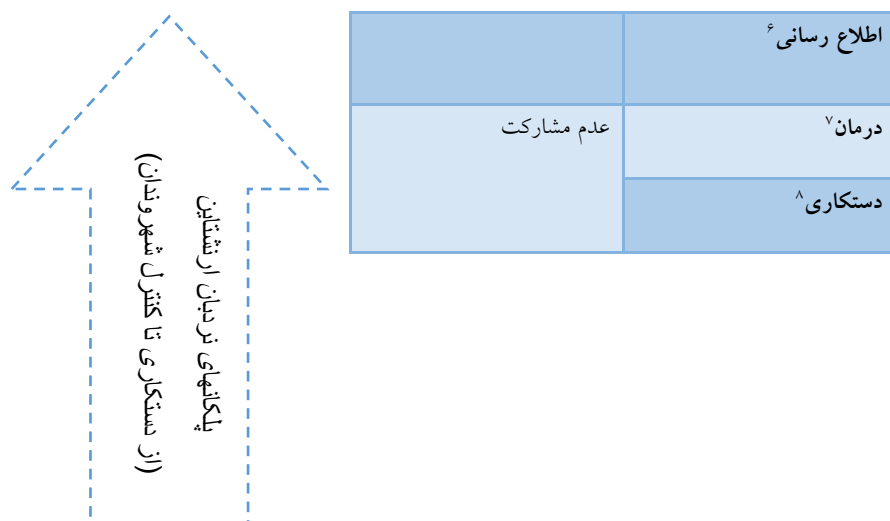
ارنشتاین^۱ از نخستین نظریه پردازانی است که به صورت کلاسیک به موضوع مشارکت به صورت فرآیندی پرداخت و نردبان مشارکت (ارنشتاین، ۱۹۶۹) را ارائه نمود و مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت او هر پلکان این نردبان (شکل-۱) را به عنوان سطحی از پیشرفت جهت قدرت بخشیدن به شهروندان در نظر گرفت و به تیب بندی پلکانها در هشت سطح پرداخت با وجود گذشت زمان طولانی از ارائه نردبان مشارکت این نردبان تاکنون در بسیاری از پژوهشها به عنوان مبنائی از سنجش مورد توجه قرار می گیرد و از جامعیت نسبی برخوردار است. این نردبان از پلکان «دستکاری» شروع شده و تا پلکان «کنترل توسط شهروندان» ادامه می یابد. ارنشتاین اشاره می کند در اینجا یک تفاوت بزرگ در بین مشارکت تشریفاتی و داشتن قدرت واقعی (توسط شهروندان) که بر خروجی پروسه تاثیر بگذارد وجود دارد (ارنشتاین-۱۹۶۹). همان طور که ملاحظه می شود او در نگارش اصلی کلمه پروسه را به کار برده در واقع او در حدود نیم قرن پیش بر این باور بوده مشارکت یک نقطه نیست بلکه یک روند است که در جای خود نگرشی ارزشمند بوده است (این در حالست که در بسیاری از متون داخلی توجه نگارش ما توجه به یک نقطه و نه یک فرآیند.

- مفهوم کلیدی: سطوح مختلف مشارکت
- شرح: این نظریه مشارکت را بر اساس ۸ سطح طبقه‌بندی می‌کند: عدم مشارکت، بی‌تفاوتی، اطلاع‌رسانی، مشورت، مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در برنامه‌ریزی، اقدام و کنترل. هر سطح از مشارکت، میزان قدرت و کنترل ساکنان بر تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهایی را که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، نشان می‌دهد. ارنشتاین معتقد است که سطوح پایین‌تر مشارکت، مانند عدم آگاهی یا بی‌تفاوتی، به سطوح بالاتر مانند مشارکت فعال و توانمندسازی منجر می‌شود.

1. Arnstein

- نقاط قوت: این نظریه چارچوبی را برای درک سطوح مختلف مشارکت ارائه می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه می‌توان افراد را به مشارکت بیشتر تشویق کرد.
- نقاط ضعف: این نظریه به اندازه کافی به زمینه‌های خاص توجه نمی‌کند و ممکن است در همه شرایط قابل انطباق نباشد.

قدرت شهروندان	کنترل شهروندان ^۱
	قدرت انتقال یافته ^۲
	شراکت ^۳
وانمود به انجام مشارکت (در حالیکه اینطور نیست)	تسکین ^۴
	مشاوره ^۵



شکل شماره-۱ سطوح نردبان مشارکت ارنشتاین از عدم مشارکت تا قدرت شهروندان (ارنشتاین-۱۹۶۹)

۲- نظریه توانمندسازی (راپاپورت^۱-۱۹۸۷)

- مفهوم کلیدی: قدرت و کنترل ساکنان
- شرح: این نظریه بر افزایش قدرت و کنترل ساکنان بر زندگی خود تمرکز دارد. توانمندسازی از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای ساکنان برای یادگیری و رشد، توسعه مهارت‌ها و منابع، و ترویج استقلال و خوداتکایی حاصل می‌شود.
- نقاط قوت: این نظریه بر نقش افراد به عنوان عاملان تغییر تأکید دارد و به ما کمک می‌کند تا شرایطی را ایجاد کنیم که در آن افراد بتوانند قدرت بیشتری بر زندگی خود داشته باشند.
- نقاط ضعف: این نظریه به اندازه کافی به موانع توانمندسازی، مانند تبعیض و نابرابری، توجه نمی‌کند.

۳- نظریه عدالت اجتماعی (رالز^۲-۱۹۷۱):

- مفهوم کلیدی: توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها
- شرح: ایجاد جامعه‌ای عادلانه که در آن همه افراد آزادی‌های اساسی برابری داشته باشند، فرصت‌های برابر برای موفقیت وجود داشته باشد. نابرابری‌ها فقط به نفع کم‌برخوردارترین افراد باشد.
- نقاط قوت: این نظریه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه مشارکت می‌تواند به ارتقای عدالت اجتماعی در محلات شهری کمک کند.
- نقاط ضعف: این نظریه همیشه راهکارهای مشخصی برای دستیابی به عدالت اجتماعی ارائه نمی‌دهد و آرمان‌گرایانه است.



۴- نظریه دموکراسی مشارکتی (فانگ^۱، وایت^۲-۲۰۰۹)

- مفهوم کلیدی: مشارکت فعالانه ساکنان
- شرح: این نظریه بر مشارکت فعالانه ساکنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، شفافیت و پاسخگویی، دسترسی به اطلاعات و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه تمرکز دارد.
- نقاط قوت: این نظریه چارچوبی را برای جوامع دموکراتیک تر در سطح محلی ارائه می‌دهد.
- نقاط ضعف: این نظریه همیشه به اندازه کافی به موانع مشارکت، مانند عدم قدرت یا انگیزه، توجه نمی‌کند.

۵- نظریه یادگیری اجتماعی (بندورا^۳، ۱۹۷۷)

- مفهوم کلیدی: یادگیری از طریق تعامل
- شرح: این نظریه بر یادگیری از طریق تعامل با دیگران، اشتراک‌گذاری تجربیات و دانش، ایجاد شبکه‌های حمایتی و ترویج اعتماد و همکاری تمرکز دارد.

نقاط قوت: توانمندسازی افراد و جوامع از طریق یادگیری مشارکتی و تجربی

نقاط ضعف: نادیده گرفتن موانع فردی و ساختاری، کم‌توجهی به چالش‌ها و تعارضات، اجرای دشوار برنامه‌های مشارکتی

جمع بندی مفاهیم و نظریات مشارکت به ۳ دسته اصلی

(گلوکر و همکاران- ۲۰۱۳) برای نخستین بار به تبیین سه دسته کلی در نظریات مربوط به مشارکت پرداختند این دسته بندی کلیه نظریه های مشارکت را در سه دسته اصلی به شرح زیر قرار می دهد.

اول نظریات در چهارچوب نظریات ابزاری^۴ مشارکت دوم نظریات در چهارچوب نظریات هنجاری^۵ مشارکت سوم نظریات در چهارچوب نظریات بنیادی^۶ مشارکت در شرح ذیل به جزییات بیشتری از این نگرش ها خواهیم پرداخت. ۱- در اولین دسته از دسته بندی فوق مشارکت در چهارچوب نظریات ابزاری مورد توجه بوده که بیشتر در پیروی از تفکر خردگرا می باشند و با استفاده از اطلاعات مشخص و اجرای قانونی پروژه به حل و فصل اختلافات میان ذینفعان می پردازد. معمولا به دلیل سادگی و تفکر علت و معلولی آنچه از مشارکت در ذهن ایجاد می گردد مشارکت بر اساس تئوری ابزاری است این تئوری به مشارکت در تصمیمات از پیش تعیین شده توسط مقامات و برنامه ریزان می پردازد که ممکن است نیازهای واقعی جامعه هدف نبوده و صرفا جهت مشروعیت بخشیدن به فرآیندهای تصمیم گیری است و ممکن است تطبیق لازم را با نیازهای جامعه هدف نداشته باشد لذا احتمال عدم کامیابی دارد. ۲- به دلیل کاستی در خصوص تصمیمات از پیش تعیین شده و عدم همکاری مشارکت کنندگان در سطحی دیگر مشارکت در چهارچوب نظریات هنجاری مورد توجه است که بر اساس اصولی به ارزیابی دموکراتیک مشارکت کنندگان می پردازد؛ در واقع مشارکت با در نظر گرفتن ارزشهای موجود در جامعه هدف صورت می پذیرد چستی ارزشها و چگونگی آنها صرفا توسط برنامه ریزان تبیین می گردد بدیهی است احتمال خطا در نوع ارزشها و اولویت ها توسط برنامه ریزان وجود داشته باشد لذا ارائه ارزشها و نیازها به صورت دوسویه بین برنامه ریز و مشارکت کننده جایگاهی اندکی دارد و احتمال ناکارآمدی این مشارکت وجود دارد ۳- در تکمیل کاستی های نظری، سطح دیگری از مشارکت در چهارچوب نظریات بنیادی (رویه ای) مورد توجه قرار می گیرد که مشارکت را به صورت رویه ای تعاملی از مرحله تصمیم سازی تا مرحله اجرا، بهره برداری از طرح و بازخوردهای طرح مورد توجه



قرار می دهد این نگرش سطح بالایی از مشارکت را ایجاد خواهد نمود بدیهی است منطق نظری بنیادی دلیل بر نفی نظریه مشارکت در چهارچوب نظریه های ابزاری و هنجاری نمی باشد و هر یک از دسته بندی سه گانه فوق در جای خود دارای اهمیت است. پژوهش حاضر با در نظر داشتن نظریات بنیادی به تدوین فرآیند مشارکت خواهد پرداخت که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

1-Fung
2-Wright
3- Bandura

4- Instrumental
5- Normative
6- procedural

اهمیت مشارکت در چشم انداز سازی در محلات قبل از مداخله

اهمیت چشم انداز سازی در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی، کالبدی شهرها به گونه ای است که می توان آن را به مثابه قلب فرآیند برنامه ریزی و طراحی شهری راهبردی محاسبه نمود. (گلکار-۱۳۸۴) خارج از نحوه تعریف تمامی چشم انداز سازی ها در راستای مأموریت ذاتی مجموعه مورد نظر بوده است تعاریف مختلفی از آن وجود دارد که به ذکر و بررسی چند مورد از آن می پردازیم.

برایسون معتقد است "چشم انداز^۱ توصیف روشن و فشرده ای است از سیمایی که شهر در آینده و پس از به فعالیت درآمدن کلیه توان های بالقوه اش پیدا می کند. در تعریف برایسون بر سه ویژگی عمده چشم انداز که عبارتند از: ضرورت "روشن و فشرده بودن، معطوف به "آینده بودن و به فعالیت درآمدن تمامی توان های بالقوه شهر یا محله تاکید گردیده است. تعریف معتبر دیگری که از چشم انداز شهر در دسترس است به سازمان ائتلاف شهر ها و بانک جهانی تعلق دارد و بر مبنای آن: تدوین چشم انداز برای یک شهر در حقیقت به مفهوم ارائه هدفی به ساکنین شهر جهت تلاش هایشان و توصیف چیزی است که احتمالاً در آینده به آن نایل خواهند شد. چشم انداز انگاره موضعی است که شهر و جامعه می خواهند در آینده در آنجا باشند. چشم انداز تصویری فراسوی آینده قابل پیش بینی و فراتر از روندهای موجود فراهم می سازد و بازتاب فهم مشترک طولانی مدت جامعه از اهداف توسعه خویش است. عموماً چشم انداز تلاش دارد تا پاسخ این سوال را که این شهر یا منطقه توان بالقوه چه چیزی شدن را دارد؟" فراهم آورد.

چشم انداز شهر / محله بیان وضعیت ایده آلی است که جامعه امید دارد در آینده به آن نایل آید. چنین چشم اندازی باید میان کل جامعه مشترک باشد به گونه ای که به مفهوم واقعی کلمه بتوان آن را از آن همه ما دانست. در این تعریف دو ویژگی دیگر از مفهوم چشم انداز که عبارتند از "آرمانگرایانه بودن" و "مشترک و از آن همه بودن" چشم انداز مورد تاکید قرار گرفته است. (گلکار-۱۳۸۴)

- اهمیت و جایگاه چشم انداز

در نظام های متمرکز تدوین اهداف و نقش شهرها توسط دولت مرکزی صورت می گیرد لیکن در نظام های مبتنی بر فعالیت بازار آزاد، هر شهر / محله لازم است خود به تدوین یک استراتژی رقابتی بپردازد. به عبارت دیگر تدوین چشم انداز برای این گونه شهرها / محله ها معنادار بوده و ضرورت حیاتی دارد چرا که در تدوین چشم انداز عملاً "گوشه قابل رقابت"^۲ مناسب شهر یا محله و توان رقابت نسبی آن باشناسی شده و شرایط بقاء و بالندگی آن فراهم می گردد.

در عصر جهانی شدن هر مکانی برای به دست آوردن سهم خود از ثروت، استعدادهای درخشان، و توجه جهانیان ناگزیر باید با اماکن دیگر به رقابت برخیزد. در این میانه شهرهای معروف جهان دقیقاً مانند کمپانی ها و مارک های مشهور تجاری قادر خواهند

بود کالا و خدمات خود را به سهولت به فروش برسانند؛ نیروی انسانی بهتری را به استخدام در آورند؛ بازدیدکنندگان بیشتری را به خود جلب



شکل شماره ۲- مدل چشم انداز سازی اورگون ماخذ: (گلکار، ۱۳۸۴)

نمایند؛ سرمایه گذاری ها را به خود معطوف سازند، محل مناسبی برای ایفا نمایند. (گلکار-۱۳۸۴) به نظر می رسد محلات دارای بافت فرسوده قبل از مداخلات با تدوین چشم انداز مشارکتی بتوانند درک جامع تری از مشکلات و راهکارهای پیش رو پیدا کنند. این موضوع به یافتن راه حل بهینه و حمایت توسط جامعه محلی جهت دستیابی به موفقیت در اقدامات پیش رو کمک خواهد کرد. مدل های مختلفی برای چشم انداز سازی وجود دارد که در اینجا به مدل ارگون بسنده می نمایم که جزئیات آن در شکل شماره ۲- ارائه گردیده است.

سه نوع تلقی از اصطلاح "چشم انداز" ممکن می باشد که عبارتند از: ۱- چشم انداز به مفهوم "برنامه چشم انداز" (که معمولاً در برخی کشورها قبل از تهیه برنامه یا طرح جامع شهر تهیه می گردد)، ۲- چشم انداز به مفهوم "فرایند چشم اندازسازی" (سلسله فعالیت هایی است که با استفاده از تکنیک های گوناگون مشارکتی به تدوین بیانیه چشم انداز منجر می شود)، و ۳- چشم انداز به مفهوم "بیانیه چشم انداز" (که محصول فرایند چشم اندازسازی می باشد). (گلکار-۱۳۸۴)

به نظر می رسد که تدوین بیانیه چشم انداز با همکاری ذینفعان، فرصتی برای مشارکت آنها در تعیین اهداف، توسعه استراتژیها، شناسایی چالشها و فرصتها، و ارائه بازخورد فراهم می آورد که نهایتاً منجر به دستیابی به یک سند جامع و مؤثر خواهد شد.



پایداری به عنوان اصل کلیدی در تدوین سند چشم‌انداز

بررسی نظریاتی پایداری در ۴ مقوله اصلی اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و طراحی شهری که در تدوین سند چشم‌انداز می‌توانند مورد توجه قرار گیرند به صورت خلاصه در جدول زیر آورده شده است.

نظریه	معیار	تعریف کوتاه	روش‌های سنجش	مثال
توسعه اقتصادی پایدار (برایانت ^۱ ، باس ^۲ - ۲۰۱۲)	تنوع اقتصادی	وجود طیف متنوعی از مشاغل و فرصت‌های اقتصادی در محله	تعداد و انواع مشاغل - در محله - توزیع فضایی مشاغل - سطح مالکیت مشاغل توسط ساکنین محلی	محلاتی با طیف متنوعی از مشاغل، از جمله مشاغل - کوچک، مشاغل مستقل و مشاغل بزرگ - مراکز مختلط که فضاهایی را برای مشاغل، مسکن و خرده‌فروشی در اختیار قرار می‌دهند - برنامه‌هایی که از کارآفرینی محلی و توسعه کسب و کارهای کوچک حمایت می‌کنند
توسعه اجتماعی پایدار (کرتزن ^۳ ، مک‌نایت ^۴ - ۱۹۹۳)	انسجام اجتماعی	احساس تعلق و اتصال بین ساکنین محله	سطح مشارکت در - فعالیت‌های اجتماعی و گروهی - تنوع و شمول اجتماعی - وجود شبکه‌های حمایتی قوی	محلاتی با نرخ بالای مشارکت در انجمن‌های محله، - رویدادهای اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه - محلاتی با تنوع جمعیتی که در آن همه ساکنین احساس استقبال و پذیرش می‌کنند - برنامه‌هایی که از توسعه سرمایه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی حمایت می‌کنند
توسعه پایدار زیست محیطی (چیز ^۵ ، کوچ ^۶ - ۲۰۰۷)	فضای سبز	دسترسی به پارک‌ها، باغ‌ها و سایر فضاهای باز طبیعی	مساحت فضای سبز - به ازای هر نفر - توزیع فضایی فضای سبز - کیفیت فضای سبز	محلاتی با پارک‌ها، باغ‌ها و فضاهای باز طبیعی در دسترس - همه ساکنین - محلاتی با درختان زیاد و مناظر طبیعی - برنامه‌هایی که از حفاظت از فضای سبز و ایجاد فضای باز جدید حمایت می‌کنند
طراحی شهری پایدار (نیومن ^۷ ، کن‌ورتی ^۸ - ۱۹۹۹)	طراحی فشرده	استفاده کارآمد از زمین و کاهش وابستگی به خودرو	تراکم جمعیت و مسکن - دسترسی به حمل و نقل عمومی - طراحی پیاده‌محور	محلاتی با تراکم جمعیت بالا و ساختمان‌های چندطبقه - محلاتی با دسترسی آسان به حمل و نقل عمومی - خیابان‌ها و پیاده‌روهایی که برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری طراحی شده‌اند

1- Bryant

2- Baass

3- Kretzmann

4- McKnight

5- Chies

6- Koch

7- Newman

8- Kenworthy

اهمیت طراحی سناریو^۱ در زمان تدوین چشم‌انداز جهت انتخاب گزینه برتر توسط مشارکت‌کنندگان

طراحی سناریو یا تحلیل سناریو روشی در برنامه ریزی راهبردی است که برخی سازمان‌ها در تدوین برنامه‌های درازمدت از آن استفاده می‌کنند. این روش شکل سازگار یافته و تعمیم داده شده روش‌های کلاسیک در اطلاعات عملیات نظامی است. در روش ابتدایی گروهی از تحلیلگران بازی‌هایی را برای سیاست‌گذاران شبیه‌سازی می‌کردند. (نویخت-۹۴ ص ۲۶۷)

وجود چندین سناریو با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی به مشارکت‌کنندگان فرصت انتخاب گزینه بهینه و واقع‌بینانه‌تر برای محله مورد نظر را می‌دهد این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که با وجود مشارکت همگانی به علت وجود دیدگاه‌های مختلف جامع‌نگری ایجاد می‌گردد.

مراحل ساخت سناریو جهت تدوین چشم انداز

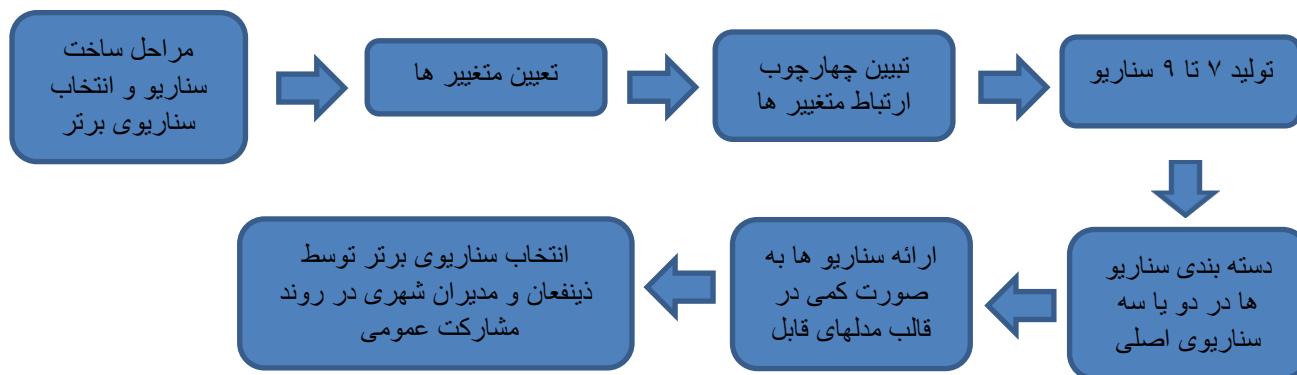
ترکیب و مکان یابی برای حقایق و تحولات اجتماعی را سناریو گویند. سناریوها حاوی وضعیت های منطقی و بسیار مهمی هستند که به شکل کوچک در زمان حال وجود دارند. طراحی سناریوها به سیاست گذاران کمک می کند تا نقاط ضعف پنهان و انعطاف ناپذیری را در سازمان و روش ها کشف کنند. کشف زود هنگام باعث می شود پیشگیری از آنها یا کاهش تأثیر آنها نسبت به زمانی که آنها در بحران ها ظاهر می شوند، ساده تر باشد. هنگامی که عوامل با یکدیگر بررسی می شوند متوجه می شویم که برخی ترکیب ها ممکن است احتمال یا تأثیر یکدیگر را چند برابر کنند. (برای مثال رشد کاهش نوسازی های شهری ممکن است باعث افزایش جمعیت در منطقه شود که به نوبه خود باعث افزایش آلودگی صوتی و هوا می شود). طراحی سناریو با تقسیم دانش و آگاهی به دو حیطه وسیع آغاز می شود: (۱) چیزهایی که درباره آنها اطلاع داریم؛ و (۲) عناصری که آنها را نامعین یا مجهول می خوانیم مؤلفه نخست گذشته را به زمان حال می کشد و نشان می دهد که جهان تداوم و استمرار دارد. مؤلفه دوم شامل عناصر غیر قابل تعیین مانند نرخ جذب سرمایه جهت نوسازی در پروژه های شهری، نتایج انتخابات شورای شهر، سطح نوآوری در طرح های شهری و غیره می شود. هنر طراحی سناریو آن است که شناخته ها و ناشناخته ها در چند دیدگاه مرتبط با آینده با هم ترکیب شوند و احتمالات زیادی را تحت پوشش قرار دهند.

طراحی سناریو شامل شش مرحله می شود مرحله نخست: تعیین محرک های تغییر یا فرضیه ها: از نتایج تحلیل محیطی برای تعیین مهمترین عوامل تاثیرگذار بر محیط فعالیت سازمان استفاده می شود. این عوامل را گاهی متغیر می نامند. در یک روش مطلوب اولین گام باید تصمیم گیری دقیق درباره کل فرضیه ای باشد که سناریوها بر آن استوارند. فقط آن زمان است که می توان محرک ها را به وضوح شناخت. مرحله دوم: گرد آوردن محرک ها در چهارچوبی پایدار: محرک ها را باید طوری به هم ربط داد که چهارچوبی معنادار بسازند. این کار ممکن است بسیار ساده باشد، زیرا برخی عوامل به وضوح با هم در ارتباط هستند. مرحله سوم: تولید هفت تا نه سناریوی کوچک اولیه: تولید هفت تا نه گروه منطقی از محرک ها محصول مرحله قبل است. پس از قرار دادن عوامل در گروه ها باید تعیین کرد رابطه بین آنها چیست و هر گروه از عوامل چه چیز را نشان می دهند. مرحله چهارم: کاهش به دو یا سه سناریو: دلیلی نظری برای این کار وجود ندارد اما مشاهدات عملی نشان می دهد که مدیرانی که از سناریوهای نهایی استفاده می کنند حداکثر به سه مورد توجه می کنند؛ بنابراین با بحث های فراوان باید دو یا سه ظرف پیدا کرد که همه موضوعات را به طور منطقی در خود جای دهند. در طول بحث های طولانی شرکت کنندگان می فهمند که مهمترین محرک تغییر از دید آنها و همکارانشان چه هستند. بر اساس این درک آنها به طور غریزی آماده اند تا هنگام بروز تغییرات با آنها مقابله کنند حتی بدون اینکه نیاز داشته باشند به گزارش های نهایی مراجعه کنند (آسکال-۲۰۰۳ به نقل از نوبخت). مرحله پنجم: نوشتن سناریو: سناریوها در قالب کمی و قابل مقایسه تدوین شوند تا مدیران بتوانند راهبردهای خود را بر مبنای آن قرار دهند و ذینفعان جهت مشارکت در موضوع امکان مقایسه و درک بهتر از موضوع را داشته باشند. افزون بر این بهتر است که مدیران خود در طراحی سناریوها مشارکت داشته باشند تا به آنها



اعتقاد پیدا کنند. مرحله ششم: شناسایی موضوعات آینده: مرحله نهایی فرایند بررسی سناریوها برای تعیین عواقب آنهاست. راهبردهای متعاقب باید مسائلی را که بیشترین تاثیر را بر آینده شهر یا محله دارند، هدف قرار دهند تا در آینده بتوان خطرها را به حداقل رساند بدون اینکه بی هدف در بازی قمار وارد شد. (نوبخت-۹۴)

مراحل ساخت سناریو در شکل شماره-۵ خلاصه شده است.



شکل شماره ۳- مراحل ساخت سناریو و انتخاب سناریوی برتر

گونه شناسی مسائل در موضوع مشارکت جهت تدوین سند چشم انداز در بافت های فرسوده

انواع مسائل: ۱- مسائل ساده ۲- مسائل مرکب ۳- مسائل پیچیده ۴- فرا مسئله

مسائل ساده شامل مسائلی می شود که کاملاً قابل فهم هستند. با تعداد مشخصی از متغیرهای قابل شمارش تعریف می شود. بهتر است اضافه شود، معنی سادگی مساله اینجا مفهومی تلویحی دارد به این منظور است که راه حل آن نیز در ساده یا چقدر مشکل است. تا راه حل به عنوان بخشی از خود مساله تعریف نشود که غالباً در مورد مسائل به اصطلاح ساده مصداق نمی یابد. راه حل یک مساله ممکن است ساده یا دشوار باشد. تعریف یک مسئله به عنوان مساله ساده در موردی ممکن است مناسب باشد یا نباشد. مثلاً برنامه ریزی تصمیمی بگیرد که اجرای آن مشکل باشد. اینجاست که مسئله ساده به مسئله ای گفته میشود که به طور عقلانی یا غیرعقلانی به صورت محدود و قابل شمارش تعریف شود.

مسائل مرکب مسائلی هستند که بخشی از آنها و نه تمامی بخش های آن روشن باشد. یعنی تعدادی نامعین از متغیرهای قابل شمارش. به این معنی که مساله ممکن است شامل بخشی از یک یا چند مسئله ساده تر باشد (البته اگر بتوانیم متغیرها را به خودی خود مساله بنامیم).

مسائل پیچیده شبیه به مسائل ساده هستند اما، ساده نیستند. در واقع تعدادی متغیرهای معین هستند اما متغیرهای غیرقابل شمارش، نه قابل شمارش.

فرا مسائل، به عبارتی مسائلی نامفهوم، گنگ و غیر دقیق تر از سایر مسائل اند. فرا مسئله، مسئله ای است که مشاهده می شود وجود دارد و بعضی متغیرهای ویژه را در تعریف خود در برمی گیرد. اما دقیقاً این متغیرهای ویژه چه چیزی هستند و چه متغیرهای دیگری ممکن است درگیر این مسئله باشند مشخص نیست. بنابراین فرا مسئله با نبود دقت در آن شناخته می شود. (حبیب-۹۱)



در موضوع مشارکت در چشم انداز سازی بافت های فرسوده، با تعداد نامعلومی از متغیرهای غیر قابل شمارش سروکار داریم. این متغیرها به دلیل ماهیت کیفی و نامحدود بودنشان، به طور دقیق قابل اندازه گیری و دسته بندی نیستند برخی از این متغیرها شامل انگیزه مشارکت، سطح مشارکت، دیدگاه ها و نظرات، روابط و تعاملات و عوامل زمینه ای از قبیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند. لذا در موضوع مورد مطالعه ما با یک فرامسئله مواجه هستیم.

نوع مسئله	محدودیت های تجزیه و تحلیل	محدودیت های عمل
ساده (تعدادی معین متغیر قابل شمارش)	شناخت کامل همه متغیرها (تحلیل جامع)	بیشینه سازی و بهینه یابی
مرکب (تعداد نامعین متغیر قابل شمارش)	شناخت کامل بعضی از متغیرها (تحلیل عمیق مسائل فرعی)	بهینه یابی مسائل فرعی
پیچیده (تعداد معین متغیرهای غیرقابل شمارش)	شناخت بخشی از متغیرها (پیمایش سریع ^۱)	بهبود کلی ^۲
فرا مسئله (تعداد نامعین متغیر غیرقابل شمارش)	شناخت بخشی از متغیرها (انحرافات، استانداردها و غیره)	بهبود بخشی ^۳

جدول شماره-۱ (حبیب-۹۱)

روش تحقیق

این تحقیق از به روش تحلیلی- توصیفی انجام یافته است. گرد آوری اطلاعات با مطالعات کتابخانه ای شامل مطالعه مبانی نظری مرتبط، مطالعه مقالات، بررسی اسناد و انجام از روش نمونه گیری هدفمند مصاحبه های نیمه ساختار یافته با ۱۲ کارشناس به دلیل تجربه و تخصص خاص که تجربه بیش از ۱۰ سال در حوزه بافت های فرسوده داشتند عموماً در محل کارشان در حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه تا مرحله کفایت نظری ادامه یافت. این مصاحبه ها با رعایت اصول اخلاقی و اطمینان دادن به مصاحبه شوندگان در مورد حریم خصوصی و ناشناس بودن داده ها انجام یافت و به بررسی اقدامات انجام یافته و چالش های پیش رو در جهت مشارکت در مرحله چشم انداز سازی در بافت های فرسوده در شهر تهران در دو دهه گذشته پرداخته شد. مصاحبه ها با کارشناسانی شروع شد که به نظر می رسید دارای اطاعات بیشتری در بسط نظری موضوع می باشند سوالات مصاحبه در خصوص چالش های جلب مشارکت طیف های مختلف، توانمند سازی، ایجاد فضای گفتگوی آزاد، تأمین منابع لازم، تضمین پایداری مشارکت، اهمیت آموزش،



شفافیت، اعتمادسازی، انسجام بین ذینفعان، ارزیابی مستمر و بهبود فرآیند مشارکت برای افزایش اثربخشی بودند. از مصاحبه نهم به بعد محتوای جدیدی به دست نیامد اما به جهت اطمینان از کفایت تا مصاحبه دوازدهم ادامه یافت. جهت بسط موضوع عموم سوالات مصاحبه به صورت باز تدوین شده بودند و با پرسیدن سوال "چالش های پیش روی مشارکت در بافت های فرسوده در چند مقوله اصلی در ذهن شما تقسیم می شود؟" مصاحبه شروع و پس از دسته بندی چالش ها توسط پاسخ دهنده به سوالاتی با جزئیات مد نظر منطبق با مبانی نظری مرور شده ادامه می یافت در مصاحبه های بعدی اگر جزئیات جدیدی که در مصاحبه قبلی به دست آمده بود گنجانده می شد. پس از پایان مصاحبه ها محتوای مصاحبه تبدیل به متن نوشتاری می گردید.

- 1- Quick surveys
- 2- Pareto Optima
- 3- Pareto Suboptimal

تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل داده های خام جمع آوری شده حاصل از مصاحبه ها در ۴ مرحله به شرح زیر انجام یافت.

- ۱) استخراج کلمات کلیدی: در جهت دسته بندی، خلاصه سازی متن و یافتن اطلاعات مرتبط
- ۲) تحلیل احساسات جهت شناسایی نظرات مثبت و منفی مصاحبه شوندگان در مورد سوالات
- ۳) طبقه بندی موضوعی جهت سازماندهی و دسته بندی موضوعات
- ۴) مدل سازی: به مفهوم کشف موضوعات پنهان و ردیابی موضوعات در طول زمان و یافتن روابط بین موضوعات مختلف در ادامه به شرح مختصری از موارد به دست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات می پردازیم.

اول: اسناد مرتبط با برنامه ریزی و مداخلات در طرح ها به طور کامل در قالب سند چشم انداز ساز و جایگاه مشارکت و نحوه آن در اسناد تهیه نشده اند. همچنین، برنامه های مرتبط با بافت های فرسوده نیز به طور صحیح و مطابق با مبانی نظری ارائه نشده اند و تنها سیاست های کلی برای تدوین این اسناد در نظر گرفته شده است.

دوم: عموم مداخلات به صورت مداخلات کالبدی با بدون مشارکت یا با مشارکت محدود بدون در نظر گرفتن و یا نقش کم رنگ تاثیرات عوامل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی انجام یافته است. توجه عمیق تر به موارد ذکر شده در زمان تدوین سند چشم انداز از اهمیت خاصی برخوردار است.

سوم: با وجود تلاش های متعدد برای جلب مشارکت و ایجاد زیرساخت های لازم، حل مشکلات بافت های فرسوده به دلیل مشکلات قانونی مانند مسائل مالکیتی و عوامل دیگری چون فقر و عدم آگاهی، بسیار دشوار است. پیچیدگی این مسائل و وجود عوامل گسترده و غیرقابل شناسایی، همراه با عدم توانایی در شناسایی دقیق عوامل مؤثر، باعث شده است که این موضوع به صورت فراموش شده باقی بماند.

چهارم: ابزار های لازم جهت مشارکت مردم در بافت های فرسوده از قبیل قوانین مشخص و کافی، بودجه مربوطه، نیروی کار مرتبط دارای تجربه و آموزش دیده، ظرفیت سازی، دسترسی به اطلاعات، ارتباطات موثر و عدالت و برابری وجود ندارند و کارشناسان بر این باور بودند در بسیاری از موارد در محلات مشارکت قابل قبولی انجام نیافته است.



پنجم: عدم استمرار و عدم وجود یک ساز و کار مشخص (عدم وجود فرآیند مشخص) در مشارکت‌ها از علل مهم در عدم کامیابی به مشارکت مطلوب بوده به طوری که جلسات نامنظم و محدود بدون یک روند مشخص برگزار می‌شدند. در این نوع از مشارکت مدیران به طور عمده تمرکز بر مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود به جای نشان دادن علاقه و انگیزه واقعی تمرکز داشته‌اند. ششم: عدم آرایه چند سناریوی مشخص و انتخاب گزینه برتر توسط مشارکت کنندگان جلسات بیشتر به صورت اطلاع رسانی و همگام سازی مردم با اقدامات مورد نظر مدیران تشکیل و در جلساتی بسیار محدود پایان یافتند (جنبه سخنرانی برای عموم و پرسش و پاسخ محدود بودند).

هفتم: محدود بودن ابزارهای اجرایی و الزامات قانونی جهت مشارکت مردم و عدم اجرای الزامات قانونی توسط مدیران شهری و مجموعه اجرایی

روایی

در این مطالعه از روش‌های مختلفی برای ارتقای روایی استفاده شده است که شامل موارد زیر می‌باشد.

- روش گردآوری داده‌ها که شامل مطالعات نظری و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با ۱۲ کارشناس بود، به غنی سازی داده‌ها و افزایش دیدگاه‌های مختلف در مورد موضوع مطالعه کمک کرد.
- مشارکت ذینفعان: در مراحل مختلف مطالعه، با ذینفعان کلیدی مانند کارشناسان، برنامه ریزان و سیاستگذاران مشورت شد تا از صحت و مرتبط بودن یافته‌ها با نیازها و تجربیات واقعی آنها اطمینان حاصل شود.
- تکنیک‌های عضوگیری: برای مصاحبه با کارشناسان از تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند و حداکثر تنوع استفاده شد تا طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را در نمونه مطالعه به دست آوریم.
- شناسایی و مدیریت سوگیری: محققان از سوگیری‌های بالقوه خود آگاه بودند و برای به حداقل رساندن تأثیر آنها بر مطالعه تلاش کردند. این شامل استفاده از روش‌های ثبت دقیق داده‌ها، بررسی متقابل یافته‌ها با سایر محققان و شفاف سازی فرضیات و تعصبات خود در طول مطالعه بود (پاتون-۲۰۰۲).

این تحقیق با در نظر داشتن اصل عدم قطعیت که پاسخ قطعی برای سوالات اساسی وجود ندارد انجام یافته لذا نتایج به دست آمده قطعی نیستند.

پایایی

در این مطالعه از روش‌های مختلفی برای ارتقای پایایی استفاده شده است که شامل موارد زیر می‌باشد:

- تجزیه و تحلیل اطلاعات: توسط یک محقق انجام یافت و توسط دو محقق دیگر به صورت جداگانه مورد بازبینی قرار گرفت و در صورت وجود تناقض، از طریق بحث و گفتگو توافق حاصل گردید.
- قابلیت بازنگری: تمام مراحل مطالعه به طور دقیق مستند شد تا سایر محققان بتوانند یافته‌ها را بررسی کرده و آنها را تکرار کنند.
- قابلیت انتقال: یافته‌های مطالعه با دستاوردهای سایر تحقیقات مشابه در زمینه مشارکت در مقیاس محلات شهری مقایسه شد تا از قابلیت انتقال آنها به سایر زمینه‌ها اطمینان حاصل شود. (در بخش نتیجه‌گیری به برخی از این تحقیقات اشاره شده است).

یافته‌ها و بحث

از آنچه که در جریان این نگارش روشن گردید موارد ذیل قابل ملاحظه است:



اول: ما نیازمند تدوین سند چشم انداز جهت هرگونه طرح مداخله در محلات می باشیم. گلکار بر این باور است هر سند باید بر اساس دو پایه اصلی سنجش جامع وضعیت و مشارکتی بودن تنظیم شده باشد که با توجه به توضیحاتی که پیشتر اشاره شد روشن گشت که سنجش جامع وضعیت در دل مشارکتی بودن است و انعکاس نظرات ذینفعان در زمان تدوین طرح منجر به جامع نگری خواهد شد. به بیان دیگر جامعیت فقط در نظر برنامه ریزان نبوده و سایر نگرش ها که از جانب کلیه ذینفعان در آن منعکس می گردد به آن جامعیت می بخشد این موضوع می تواند از مرحله تدوین طرح اولیه تا جلسات آتی و تصویب آن توسط ذینفعان و مقامات محلی ادامه یابد.

دوم: موضوع مداخله و یا هرگونه تصمیمی در جهت مداخلات در محلات خارج از توان پاسخ های علت و معلولی است که متکی بر عملکرد گرایبی است حال آنکه فرسودگی خروجی عدم پایداری اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی است لذا بررسی عوامل موثر در قالب ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بوده که نمود خارجی آن به صورت کالبدی ظاهر می گردد ضروری است شناخت این عوامل از طریق مشارکت عموم بسیار موثر خواهد بود اقداماتی که در مداخلات در محلات دارای بافت های فرسوده انجام یافته بیشتر سعی در حل موضوع با نگاه به یک مسئله ساده داشته و عموماً مداخلات کالبدی بوده اما موضوع با پیچیدگی های عمیق تری روبروست.

سوم: ما با محله آرمانی خود فاصله خواهیم داشت و هیچ وقت به آن نمی رسیم اما می توانیم فاصله خود را با آن تا جای ممکن با آن کم کنیم زمانیکه ما مشارکت ذینفعان را جلب می نمایم هر کدام از مشارکت کنندگان بر اساس نگرش و برخورد شخصی خود با موضوع نسبت به بیان جوانبی از آن اظهار نظر خواهد نمود لذا ما عوامل بیشتری موثر بر موضوع خواهیم یافت. همچنین فرصت کم کردن فاصله خود با شرایط آرمانی را برای خود ایجاد خواهیم کرد. پر واضح است امکان اظهار نظر و مشارکت فعال در شناسایی عوامل جدید از اهمیت ویژه ای برخوردار است همچنین می توان گفت مشکلات بافت های فرسوده به دلیل شناخت صرفاً برخی از متغیرها به صورت فرا مسئله می باشند با مشارکت عوامل بیشتری خواهیم شناخت اما کماکان امکان شناسایی همه عوامل را نداریم لذا قادر به حل موضوعات به صورت کامل نیستیم بلکه بهبود در بخشی از وضعیت را شاهد خواهیم بود در اینجا سطحی از دانش برای دستیابی قطعی به تعداد متغیرها و نوع آنها وجود ندارد پس نتایج حاصل با راه حل قطعی فاصله خواهند داشت چنین وضعیتی «بهینه فرعی»^۴ (به نقل از حبیب-۹۱) نام گذاری شده است.

1- Patton

چهارم: بسیاری از مشکلات موجود در بافت های فرسوده ناشی از عدم بهره مندی از ابزارها و رویکردهای مناسب برای مشارکت موثر مردم است. آنچه تاکنون اتفاق افتاده، صرفاً چند جلسه اطلاع رسانی و هماهنگی با مردم بوده و تصمیمات از قبل گرفته شده، به صورت محدود و بدون توجه کافی به معیارهای اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی، در این فرآیندها لحاظ شده اند. برای افزایش مشارکت مردم در حل مشکلات بافت های فرسوده، لازم است اقدامات و ابزارهای زیر به کار گرفته شوند: آموزش عمومی و اطلاع رسانی: اطلاع رسانی مؤثر از تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی تصمیمات، و فراهم کردن اطلاعات دقیق و به روز برای ساکنان مشاوره و مشارکت: زمان بندی مناسب برای مشاوره، تهیه اطلاعات و ایجاد ترتیبات و کانال های مشاوره. مشورت عمومی باید به اندازه کافی جامع باشد و نتایج آن در تدوین سناریوهای مرتبط مورد استفاده قرار گیرد توانمندسازی: افزایش ظرفیت ها برای حضور فعال و مؤثر در جلسات از طریق ارتقاء مهارت ها و افزایش اعتماد به نفس ساکنان ایجاد کانال های



ارتباطی: تقویت ارتباطات بین ساکنان، ذینفعان محلی و مقامات دولتی، به منظور بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی و افزایش ارزش‌های جمعی تدوین و تخصیص منابع: تدوین جزییات قانونی از طریق طرح‌های تفصیلی و اختصاص بودجه مشخص به پروژه‌ها آموزش، پایش و نظارت: آموزش و نظارت مستمر بر اجرای مشارکت‌ها توسط مجریان و توجه به تعهد و انگیزه کارکنان توجه به تنوع فرهنگی: در نظر گرفتن تنوع و تکثر فرهنگی برای حفظ عدالت و برابری در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی. با تقویت این ابزارها و تقویت ارتباطات و همکاری‌های مستمر میان افراد مختلف جامعه، می‌توان فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی را بهبود بخشید و به حل مؤثر مشکلات و بهبود کیفیت زندگی در بافت‌های فرسوده کمک کرد.

پنجم: مشارکت یک فرآیند است و یک نقطه جهت انجام فعالیتی خاص نیست لذا پایداری در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است این پایداری به مفهوم استمرار وضعیت در مشارکت کردن ذینفعان در تمامی سطوح می‌باشد. برای اینکه این امر به خوبی اتفاق بیفتد، جلسات اطلاع رسانی و مشاوره لازم اما کافی نبوده لذا در تدوین سند چشم‌انداز اسناد مرتبط الزام آور که در این نگارش به آنها اشاره نموده ایم می‌تواند مؤثر باشد همچنین در پایان جهت لحاظ نمودن بازخورد ها نسبت به ایجاد پورتفولیو^۱ جهت مستند سازی^۲ و استفاده در تدوین طرح‌های بعدی و مشابه اقدام نماییم. بنابراین لازمه عدم تکرار اشتباهات و الگوبرداری از هدایت موفق پروژه‌ها مستند سازی است (سبزه پرور- ۹۲) که در تدوین سند چشم‌انداز و مداخلات جای خالی این مستند سازی نیز به چشم می‌خورد. قابل ذکر است موضوع نحوه نظارت مشارکت کنندگان و جزییات آن و همچنین بازخوردها که خارج از موضوع این پژوهش می‌باشد و نیازمند پژوهش‌های دیگر می‌باشد.

ششم: تصمیم‌سازی در مقابل تصمیم‌گیری است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است نظرات ذینفعان مهم بوده و معیارهای حاصل از آن برنامه ریزان را قادر می‌سازد به جوانب دیگری از موضوع مورد بحث دست یابند پس از جلسات اولیه با منعکس نمودن این نظرات توسط برنامه ریزان در قالب سناریوهای مختلف در جلسات نسبت به ارائه و تدوین تأثیرات آن و همچنین میزان موفقیت و سایر خروجی‌ها در هر سناریو به صورت کمی و در صورت لزوم جهت درک بهتر در قالب مدل‌های تحلیلی به ذینفعان و مدیران شهری ارائه گردد تا از ابهامات موضوع کاسته و امکان انتخاب یک سناریوی منطقی از بین دو یا سه سناریوی نهایی ایجاد گردد. در چنین حالتی ما تصمیم‌سازی را در مقابل تصمیم‌گیری داریم که از جایگاه ویژه‌ای جهت تدوین سند چشم‌انداز ساز با مشارکت کلیه ذینفعان برخوردار می‌باشد و باعث افزایش شفاف‌سازی^۳ و انتخاب سناریوی برتر به صورت مشارکتی و انعکاس نظرات ذینفعان بر تدوین طرح می‌شود.

-
- 1- Portfolio
 - 2- Documentation
 - 3- Clarification

هفتم: چنانچه بخواهیم نگاهی به جایگاه مشارکت در مداخلات در بافت‌های فرسوده در سلسله مراتب طرح‌های شهری در مقیاس محله بیان‌دازیم می‌توان آن را در طرح تفصیلی موضعی یافت طرح‌های تفصیلی موضعی در واقع طرح‌های اجرایی هستند که با مشارکت مردم برای حل یک معضل شهری اجرا می‌شوند (ماجدی-۹۱). این طرح‌ها برای مرمت و بازسازی بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری، ساماندهی محلات حاشیه‌ای و مسئله دار شهری طرح‌های تفصیلی موضعی تهیه می‌گردند (همان). طرح‌های



تفصیلی موضعی، به عنوان یک پروژه خاص که واجد بودجه ای معین و مدیریت خاصی بوده و در زمان مشخصی باید به مورد اجرا گذاشته شوند (همان). جهت اقدامات در بافت های فرسوده شهری تدوین سند چشم انداز محلات فرسوده و تصویب آن در قالب طرح تفصیلی کارآمد به نظر می رسد اهمیت تبیین جایگاه مشارکت در طرح های شهری بدین جهت است که طرح های شهری در کمیسیون ماده ۵ به عنوان مرجع قانونی تصویب می شوند و اجرای آنها الزام آور بوده این طرح ها به عنوان بخشی از ابزارهای قانونی جهت اداره شهرها عمل می کنند لذا توجه به جایگاه قانونی و تدوین جایگاه آن در زمان برنامه ریزی به عنوان عاملی الزام آور و به عنوان بخشی از ابزار های اجرایی در نیل به تدوین سند چشم انداز با مشارکت مردم از اهمیت خاصی برخوردار است.

شکل شماره ۴ - مدل پیشنهادی جهت تدوین سند چشم انداز ساز در محلات شهری با مشارکت کلیه ذینفعان

اطلاع رسانی و دعوت همگانی و توانمند سازی جهت مشارکت افراد و گروه هایی که به دلایل مختلف مایل به مشارکت نیستند



اکنون کجا هستیم؟

تشکیل جلسات استماع اولیه و تبیین وضع موجود در با در نظر گرفتن نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدید ها در چهار مقوله اصلی اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی با مشارکت همگان تا مرحله کفایت نظری و عدم دریافت مقوله ای جدید

به کجا می رویم؟

تعیین اهداف با مشارکت ذینفعان: چه چیزی می خواهیم در محله تغییر دهیم؟ برنامه ریزان در جلسات توجیهی تأثیر تغییرات مورد نظر و چالش های پیش رو را در مقولات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی مورد توجه قرار داده و به صورت ساده شده برای مشارکت کنندگان شرح دهند و جزییات مکتوب ارایه نمایند

تدوین سناریو های اولیه: برای رسیدن به این اهداف چه سناریو هایی وجود دارند تعیین ۷ تا ۹ سناریوی اولیه توسط برنامه ریزان در تعامل با مدیران شهری تهیه می شوند و دسته بندی آنها در ۳ سناریوی اصلی که برای مشارکت کنندگان قابل فهم و ساده باشد و انتخاب گزینه برتر توسط کلیه ذینفعان

چگونه به آنجا برسیم؟ (سند چشم انداز)

برنامه اجرایی نقشه ای عملی برای رسیدن به اهدافمان در چارچوب چشم انداز است که به صورت مشخص به موارد زیر پاسخ می دهد و در قالب سند چشم انداز تدوین و در مرجع قانونی تصویب می شود.

بیانیه چشم انداز: تصویری واضح و الهام بخش از آینده مطلوب محله ارائه می دهد
ارزش ها: اصول بنیادی که راهنمای تصمیم گیری ها و اقدامات در محله هستند
اهداف: اظهارات مشخص و قابل اندازه گیری که به تحقق چشم انداز کمک می کنند و تعیین گوشه رقابتی محله
استراتژی ها: برنامه های عملی برای رسیدن به اهداف
مشارکت: نحوه مشارکت ساکنان، ذینفعان و مقامات در فرآیند برنامه ریزی و اجرا
برنامه ریزی و بودجه بندی: نحوه تأمین منابع مالی برای اجرای برنامه ها
پایش و ارزیابی: نحوه سنجش پیشرفت و اصلاح برنامه در مراحل اجرا
مستند سازی اقدامات: جزییات روش مستند سازی اقدامات

کجا می خواهیم باشیم؟ (بیانیه چشم انداز)

تدوین بیانیه چشم انداز به مفهوم تصویری از آینده محله که در آن به اهدافمان رسیده ایم. این یک تصویر کلی و الهام بخش است که نشان می دهد محله ما در نهایت به چه مکانی تبدیل خواهد شد.



نتیجه گیری

در مقایسه نتایج به دست آمده در این تحقیق با سایر تحقیقات مشابه (شیخی، الهیاری- ۱۳۹۸) در نتایج خود اشاره می کنند مشارکت شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله در سطح مناسبی نمی باشد. همچنین می توان گفت که اعتماد به مسئولین، عامل مؤثر بر مشارکت مردمی و نبود یا کمبود تشکل های فرهنگی - اجتماعی مهمترین مانع مشارکت مردمی در بهسازی بافت فرسوده آن محله می باشد. در تحقیقی دیگر (دستجردی- ۱۳۹۲) اشاره می کند در شهر اصفهان، طرح های توسعه شهری بیش از چهار دهه است که تهیه شده اند اما به اهداف خود در توسعه شهری نرسیده اند. مشکلات اصلی عبارتند از ساختار ثابت و غیر منعطف، تمرکز بر فرآورده (محصول) به جای فرآیند، کاهش برنامه ریزی جامع، عدم مشارکت مردمی، دیدگاه های سنتی مدیران، ضعف مدیریت شهری، روند طولانی اخذ مصوبات، نیاز به تجمیع در بافت های فرسوده، کاهش اعتبارات و کمک های دولتی به شهرداری ها، و عدم نظم سلسله مراتبی در تهیه طرح ها این موانع باعث عدم تحقق پذیری و ناکارآمدی طرح های شهر اصفهان در ارایه پیشنهادات مشخص و عملیاتی برای نوسازی بافت های فرسوده می شوند. در تحقیقی (اکبری و دیگران- ۱۴۰۰) دیگر نتایج بدست آمده گویای این امر است که اقداماتی که به واسطه قوانین بازآفرینی در محله سیروس انجام شده است، به صورت غیرمستقیم، گروه های از ساکنین را به حاشیه شهر رانده اند. این چالش از عدم تعادل میان حق مالکیت و حقوق شهروندی و منافع عمومی نشات می گیرد. تاکید بر تملک و آزادسازی اراضی و اجرای طرح های بازآفرینی، سبب غفلت از تامین منافع عمومی و جمعی و ایجاد چالش هایی در سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی و عدم تحقق اهداف است (تصمیماتی که خروجی نگاه مردم نمی باشند) قابل ذکر است نتایج تحقیقات گذشته با نتایج این تحقیق همسو بوده که در ادامه به نتایج حاصل از این تحقیق می پردازیم. از مهمترین مواردی که در خصوص مشارکت از مرحله چشم انداز سازی قابل ملاحظه است جای خالی تدوین سند چشم انداز محله شامل بیانیه چشم انداز، ارزش ها، اهداف، استراتژی ها، مشارکت، برنامه ریزی و بودجه بندی، پایش و ارزیابی، مستندسازی اقدامات است در خصوص چشم انداز سازی به غیر از سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری مصوب ۱۳۹۳ اسناد مطالعاتی مشخصی و قابل ملاحظه ای تهیه نشده است و این در حالیست که سند تهیه شده موضوع چشم انداز را به شرح زیر و به صورت سیاست های کلی در سطح ملی جهت تهیه و تدوین طرح های پایین دست خلاصه نموده است. هدف سند: بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و شرایط محیطی ساکنان محدوده ها و محله ها به نحوی که اول: استانداردهای مسکن، سرانه فضاهای عمومی، خدمات شهری و زیرساخت های شهری در سطح میانگین شهر محیط بر آنها محقق شده باشد. دوم: سمت و سوی تحول کالبدی و کارکردی در جهت بهبود و بهسازی و توسعه پایدار باشد. سوم: احساس امید و آسایش در خانواده ها به منظور بسیج توان های مادی و معنوی آنان و تلاش و پیشرفت به سوی آینده بهتر مشهود باشد. (سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری-۹۳). همچنین در طرح چشم انداز بیست ساله شهر تهران چنین آمده است " تهران شهری است توسعه یافته و پایدار، متناسب با نقش های بین المللی، ملی، منطقه ای، محلی، دارای محیط شهری مناسب و بافت های (فرسوده) بازسازی شده زیبا، مقاوم و با امکانات لازم جهت مقابله و مدیریت بحران به ویژه زلزله و برخورداری ساکنان آن از کیفیت قابل قبول و مستمر زندگی". (به نقل از عندلیب - ۹۲) ملاحظه می گردد هر چند در مواردی اشاراتی به مشارکت شهروندان، تامین مالی پایدار، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی و مواردی از این قبیل اشاره شده که کلیتی از یک بیانیه چشم انداز بوده اما سند چشم انداز نیازمند تدقیق مواردی چون نحوه مشارکت، ارزش ها، اهداف، استراتژیها، برنامه و بودجه بندی و



روش پایش، نظارت و ارزیابی می‌باشیم که در سند چشم‌انداز تهران قابل ملاحظه نیست لذا تدوین موارد ذکر شده در یک سند چشم‌انداز محله به عنوان بخشی از ابزار اجرایی در دستیابی به اهداف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

همچنین به نظر می‌رسد شناسایی چالش‌ها حاصل از مشارکت و لحاظ نمودن عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی از اهمیت خاصی برخوردار است و کالبد می‌تواند به عنوان خروجی حاصل از عوامل فوق و یا توأم با عوامل ذکر شده در نظر گرفته شود که منجر به پایداری در شرایط ایجاد شده گردد. گلکار در مثالی ساده به آن اشاره دارد با پیگیری اقدامات سطحی، صرفاً می‌توان «علائم ۲» و نه «علت‌های ۳» بیماری‌های شهری را درمان نمود باید پذیرفت که نمی‌توان بیماری آبله را با برجیدن جوش‌های چهره آبله‌گون بیمار معالجه نمود (گلکار ۸۷-) با نوسازی ما صرفاً علائم را از بین برده ایم به عنوان مثال آرایه وام در بسیاری از موارد ساکنان بافت‌های فرسوده را که در بسیاری از موارد گروه‌های کم‌درآمد و فقیر هستند مقروض‌تر و ناتوان‌تر نموده ایم اما با مشارکت امکان شناسایی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گروه هدف می‌توانست توجه را به مواردی چون توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی ساکنان با در نظر داشتن مسائل زیست‌محیطی در مداخلات کالبدی جلب نماید. لذا جهت برخورد مطلوب‌تر با موضوع در جهت پایداری اقتصادی باید در بیانیه چشم‌انداز نسبت به تدوین گوشه‌رقابتی بین محلات (جهت توانمندسازی مردم محله) در به دست آوردن سهم خود از ثروت و سایر منابع مشخص گردد که همانطور که در مبانی نظری ذکر شد از الویت‌های تدوین سند چشم‌انداز می‌باشد حال آنکه آنچه در این محلات اتفاق افتاده اقدامات متحدالشکل که صرفاً جنبه کمک اقتصادی در قالب بسته‌های تشویقی یکسان بوده که در عمل منجر به وابستگی بیشتر ساکنان مقیم در بافت‌های فرسوده به کمک‌های مالی می‌گردد در حالیکه ایجاد گوشه اقتصادی در جهت توانمندسازی اقتصادی محله و تا حدی با کاهش عواملی چون فقر و بیکاری می‌تواند منجر به توانمندسازی اجتماعی نیز گردد. از آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد ایجاد گوشه اقتصادی در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی ساکنان و محله موثر باشد و نقش به‌سزایی در حل مشکل فرسودگی کالبدی و عملکردی و پیشگیری از آن در محلات دارای بافت فرسوده داشته باشد این مهم می‌تواند از طریق مشارکت و پشتیبانی جامعه محلی با شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و قوت در زمان تدوین سند چشم‌انداز به نحو مطلوب‌تری شناسایی و ایجاد گردد.

آنچه به نظر می‌رسد بافت فرسوده بخشی از نمود بیرونی مشکلات یک شهر است. با گذر از اقدامات گذشته در ایجاد آرمانشهر می‌توان گفت آرمان‌شهر وجود خارجی ندارد و در تمامی شهرها مشکلات و ناهنجاری‌هایی کماکان وجود دارد در برخی موارد این مشکلات و چالش‌های زندگی شهری در برخی محلات که دارای تاب‌آوری کمتری می‌باشند به صورت بافت‌های فرسوده نمایان می‌گردد می‌توان گفت از آنجایی که ما قادر به حل کامل مشکلات شهری نیستیم (مشکلات به صورت فرا مسئله می‌باشند) پس ما قادر به حل کامل مشکل بافت‌ها نمی‌باشیم اما با مشارکت قادر به شناسایی و حمایت عمیق‌تر در جهت حل موضوع تا حد قابل قبولی خواهیم بود لذا نباید انتظار حل تمامی مشکلات را در بافت‌های فرسوده داشته باشیم.

از آنچه در این مقاله ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت چنانچه تدوین سند چشم‌انداز در چهارچوب طرح تفصیلی در کمیسیون ماده ۵ به تصویب برسد به دلیل جایگاه قانونی و ملزم بودن همه افراد و گروه‌ها از تبعیت از قانون از اهمیت ویژه‌ای جهت دستیابی به اهداف، شفاف‌سازی در اقدامات پیش‌رو و جلب مشارکت مردم برخوردار باشد. این مهم می‌تواند با الزام دستورالعملی در



شرح وظایف مهندسين مشاور شهرساز جهت تدوين سند چشم انداز محلات داراي بافت فرسوده در چهارچوب تصويب طرح تفصيلی یا در زمان بازنگری های آن انجام شود. طرح تفصيلی پس از تصويب در کمیسیون ماده ۵ اعلام عمومی و نظرات مردمی (در سطح شهر) بر اساس آیین نامه اجرایی قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات آن باید شنود گردد. این آیین نامه به نحوه اطلاع رسانی عمومی و جمع آوری نظرات مردمی در خصوص طرح های تفصيلی پرداخته است بعد از بررسی و رسیدگی به نظرات مردمی و انجام اصلاحات لازم، طرح تفصيلی به تصويب نهایی شورای اسلامی شهر یا استان می رسد (قانون شوراهای اسلامی کشور- ۱۳۷۵) و پس از آن طرح باید ابلاغ گردد. همان طور که ملاحظه می شود پروسه فوق می تواند جایگاه قانونی و اطلاع رسانی قابل ملاحظه ای ایجاد نماید و همچنین به دلیل فرآیند ارتباطی مهندسين مشاور، شهرداری، کمیسیون ماده ۵، جمع آوری نظرات مردمی و شورای شهر در زمان تصويب با توجه به بازنگری موضوع در سطح شهر و مشارکت شهروندان و سایر گروهها در سطح شهر از پشتیبانی فکری و قانونی وسیع تری بهره مند خواهد بود و می تواند به عنوان ابزار قانونی مطلوبی جهت الزام به فرآیند مشارکت باشد.



منابع

- برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی شهری (چاپ دوم). تهران: دانشگاه هنر
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۴). سیر اندیشه ها در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت (چاپ چهارم). تهران: آرمانشهر
- تقدسی، رعنا؛ شریف زادگان، محمد حسین (۱۳۹۹) واکاوی جایگاه برنامه ریزی توسعه شهری مشارکتی و چالش های فراروی آن در اندیشه نهادگرا، دانش شهرسازی، ۳۷-۶۲
- حبیب، فرح (۱۳۹۱). جستارهای شهرسازی (چاپ اول). تهران: فرح حبیب
- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۹۰). مرمت شهری (چاپ پنجم). تهران: دانشگاه تهران
- حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، ۲۴، ۱۵-۲۴
- ذبیحی، حسین (۱۳۹۰). کنکاش در نظریه ها، تئوری ها و اقدامات شهرسازی و معرفی برنامه ریزی شهری فازی (چاپ اول) تهران: جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۷). مجموعه یادداشت های نوسازی بافت های فرسوده (چاپ اول). تهران: سازمان آمار و اطلاعات خدمات کامپیوتری (واحد آمار)
- سبزه پرور، مجید (۱۳۹۲). کنترل پروژه به روش گام به گام (چاپ هجدهم). تهران: ترمه
- عبدی دانشپور، زهره (۱۳۹۷). درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری (چاپ سوم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- عندلیب، علیرضا (۱۳۹۲). اصول نوسازی شهری: رویکردی نو به بافت های فرسوده (چاپ اول). تهران: آذرخش
- عندلیب، علیرضا (۱۳۹۶). اصول نوسازی متوازن بافت های فرسوده شهری، باغ نظر، ۴۸، ۵-۱۶
- کمپل، اسکات؛ فاینشتاین، سوزان (۱۳۸۸). نظریه برنامه ریزی شهری، ترجمه عارف اقوامی مقدم (چاپ اول). تهران: آذرخش
- پویا، مریم (۱۳۹۵)، روش های تحقیق در تاریخ، (چاپ اول). تهران: سازمان جهاد دانشگاهی.
- گلکار، کورش (۱۳۸۴). چشم انداز شهر/ محله پیشنهاد یک چهارچوب مفهومی برای صورت بندی بیانیه چشم انداز، نشریه هنرهای زیبا، ۲۴، ۲۵-۳۶
- گلکار، کورش (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزینی تا رویکرد پایدار، علوم محیطی، ۴، ۹۵-۱۱۴
- لینچ، کوین (۱۳۹۱). تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی (چاپ پنجم) تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- ماجدی، حمید (۱۳۹۱). نظریه تهیه طرح های ساختاری- راهبردی ناحیه ای و محلی، هویت شهر، ۱۱، ۱۷-۲۶



ماجدی، حمید (۱۳۹۵). نظریه طرح های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه ای (چاپ اول). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم تحقیقات

نوبخت، محمد باقر (۱۳۹۴). روش تحقیق پیشرفته (چاپ سوم). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

- Aoki, N. (2018). Sequencing and combining participation in urban planning: The case of tsunami-ravaged Onagawa Town, Japan. *Cities*, 72, 226-236.
- Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216-224.
- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory* (Vol. 1). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Bentivegna, V., Curwell, S., Deakin, M., Lombardi, P., Mitchell, G., & Nijkamp, P. (2002). A vision and methodology for integrated sustainable urban development: BEQUEST. *Building Research & Information*, 30(2), 83-94.
- Breuste, J. H. (2004). Decision making, planning and design for the conservation of indigenous vegetation within urban development. *Landscape and Urban Planning*, 68(4), 439-452.
- Brombal, D., Moriggi, A., & Marcomini, A. (2017). Evaluating public participation in Chinese EIA: An integrated Public Participation Index and its application to the case of the New Beijing Airport. *Environmental Impact Assessment Review*, 62, 49-60.
- Bryant, M., & Baass, T. (2012). *Creating sustainable neighborhood economies: A guide for community development practitioners*. Island Press.
- Chambers, S. (2019). Democracy in the Open. *The Good Society*, 27(1-2), 146-154.
- Chies, M., & Koch, S. (2007). Green infrastructures and social capital: A study of urban parks and their impact on community social cohesion. *Local Environment*, 12(1), 43-63.
- Conte, E., & Monno, V. (2012). Beyond the building-centric approach: A vision for an integrated evaluation of sustainable buildings. *Environmental Impact Assessment Review*, 34, 31-40.
- Cornwall, A. (2008). Unpacking 'Participation': Models, meanings and practices. *Community Development Journal*, 43(3), 269-283.
- Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Sage Publications.
- Della Spina, L., Lorè, I., Scrivo, R., & Viglianisi, A. (2017). An integrated assessment approach as a decision support system for urban planning and urban regeneration policies. *Buildings*, 7(4), 85.
- Dryzek, J. S., Bächtiger, A., Chambers, S., Cohen, J., Druckman, J. N., Felicetti, A., & Gutmann, A. (2019). The crisis of democracy and the science of deliberation. *Science*, 363(6432), 1144-1146.
- Dubbini, R. (2002). *Geography of the gaze: Urban and rural vision in early modern Europe*. University of Chicago Press.
- Fung, A. (2003). Survey article: Recipes for public spheres: Eight institutional design choices and their consequences. *Journal of Political Philosophy*, 11(3), 338-367.
- Fung, A. (2006). Varieties of participation in complex governance. *Public Administration Review*, 66, 66-75.
- Fung, A. (2007). Minipublics: Deliberative designs and their consequences. In *Deliberation, participation and democracy* (pp. 159-183). Springer.
- Fung, A. (2015). Putting the public back into governance: The challenges of citizen participation and its future. *Public Administration Review*, 75(4), 513-522.
- Fung, A., & Wright, E. O. (2001). Deepening democracy: Innovations in empowered participatory governance. *Politics & Society*, 29(1), 5-41.
- Fung, A., & Wright, E. O. (2009). *Deepening democracy: How public collaboration can revitalize American cities*. Princeton University Press.



- Glucker, A. N., Driessen, P. P., Kolhoff, A., & Runhaar, H. A. (2013). Public participation in environmental impact assessment: Why, who and how? *Environmental Impact Assessment Review*, 43, 104-111.
- Gorzeń-Mitka, I., & Okręglicka, M. (2014). Improving decision making in complexity environment. *Procedia Economics and Finance*, 16, 402-409.
- Hasse, J., & Weingaertner, D. (2016). From vision to action: Roadmapping as a strategic method and tool to implement climate change adaptation—the example of the roadmap ‘water sensitive urban design 2020’. *Water Science and Technology*, 73(9), 2251-2259.
- Innes, J. E., & Booher, D. E. (2004). Reframing public participation: Strategies for the 21st century. *Planning Theory & Practice*, 5(4), 419-436.
- Irvin, R. A., & Stansbury, J. (2004). Citizen participation in decision making: Is it worth the effort? *Public Administration Review*, 64(1), 55-65.
- Jacobs, A., & Appleyard, D. (1987). Toward an urban design manifesto. *Journal of the American Planning Association*, 53(1), 112-120.
- Kretzmann, J. P., & McKnight, J. L. (1993). *Building strong communities: A guide to identifying community assets*. Sage Publications.
- Miles, M. B., Huberman, A. M., & Saldaña, J. (2014). *Qualitative data analysis: A methods sourcebook*. 3rd.
- Mosadeghi, R., Warnken, J., Tomlinson, R., & Mirfenderesk, H. (2015). Comparison of Fuzzy-AHP and AHP in a spatial multi-criteria decision making model for urban land-use planning. *Computers, Environment and Urban Systems*, 49, 54-65.
- Muir, J., & Rhodes, M. L. (2008). Vision and reality: Community involvement in Irish urban regeneration. *Policy & Politics*, 36(4), 497-520.
- Newman, P., & Kenworthy, J. R. (1999). *Sustainability and cities: Overcoming automobile dependence*. Island Press.
- Ordóñez, C., Threlfall, C. G., Kendal, D., Hochuli, D. F., Davern, M., Fuller, R. A., . . . Livesley, S. J. (2019). Urban forest governance and decision-making: A systematic review and synthesis of the perspectives of municipal managers. *Landscape and Urban Planning*, 189, 166-180.
- Ortegon-Sanchez, A., & Tyler, N. (2016). Constructing a vision for an ‘ideal’ future city: A conceptual model for transformative urban planning. *Transportation Research Procedia*, 13, 6-17.
- Patton, M. Q. (2002). Two decades of developments in qualitative inquiry: A personal, experiential perspective. *Qualitative Social Work*, 1(3), 261-283.
- Rappaport, J. (1987). Empowerment meets practice: Impact of empowerment models from the past decade. In S. M. Seidman & J. Rappaport (Eds.), *Empowerment evaluation: Knowledge and power in community psychology*.
- Rappaport, J. (1987). Terms of empowerment/exemplars of prevention: Toward a theory for community psychology. *American Journal of Community Psychology*, 15(2), 121-148.
- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Reed, M. S. (2008). Stakeholder participation for environmental management: A literature review. *Biological Conservation*, 141(10), 2417-2431.
- Wang, J. (2021). Vision of China’s future urban construction reform: In the perspective of comprehensive prevention and control for multi disasters. *Sustainable Cities and Society*, 64, 102511.